

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

| | |
|-------|-----------|
| سیاسی | Political |
|-------|-----------|

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی
برلین، ۸ سپتمبر ۲۰۰۹

دو روز جلی در تاریخ معاصر

بخش اول – قتل جنگسالار مسعود

ضمن این مختصر میخوام در مورد دو روز از ماه سپتمبر چیزی بنگارم؛ دو روز از سال ۲۰۰۱.

مراد ازین دو روز نهم و یازدهم ماه سپتمبر ۲۰۰۱ است، که در تاریخ معاصر بخط جلی نوشته شده اند؛ یکی در وطن عزیز ما افغانستان و دیگری در کل جهان. چنانکه میدانیم، نهم سپتمبر ۲۰۰۱ روز مرگ بزرگترین جنگسالار و یکی از اعظم و اکابر تباهی و ویرانگری در تاریخ معاصر افغانستان است. این شخص – که قلم از نامیدن او به حیث "مرد" و حتی "انسان" شرم دارد – در نزد دنباله روان کوتهنظر و کور و کرش، مقامی بالا تر از پیامبران و تاسرحد "خدائی" حاصل کرده است، در نزد قاطبه مردم داغیده، حقیبن، عقده بدل و منتقم افغان، کسبیت، که عزت و آبروی یک ملت و مملکت مغرور و معزز را در پای خوکان ریخت؛ در پای خوکان متجاوز روسی و ایادی منطوقی آنها. و معلوم نیست، که اگر سرش را زیر بالاش نمیگردند، چه بلاهای دیگری را بر سر مردم هردم شهید و وطن محبوب ما می آورد. بیشک که جزای عمل حق است و خداوند منتقم، که سزای تبهکاران را میدهد!!!!

این قسمت در مورد همین "ابر نامرد" سخن خواهد گفت و حدیث واقعه یازدهم سپتمبر را میگذارم به بخش بعدی. در باره قتل احمد شاه مسعود و کیف و کانش ظاهراً هرکس حکایتی به تصور کرده است. حضرت حافظ شیرازی در بیتی فرماید:

مешوق چون حجاب ز رُخ بر نمیکشد هر کس حکایتی به تصور چرا کند؟؟؟

خواننده ارجمند خوب دقت فرماید، که مراد از "مешوق" درینجا چیست؟؟؟ حاشا و کلا که در نوشته من، مراد از "مешوق" خود جنگسالار معدوم ملعون باشد!!!!!! اما عملیه "قتل" و "انعدام" و "سر به نیست شدن" او در هر صورت عین مراد و منظور است و حکم "مешوق" را نیز دارد. مراد از ذکر این بیت فقط اینست، که چون حقایق قتل آن "روسپاه تاریخ" تاکنون نزد اکثریت مطلق افغانان مکتوم مانده است، هرکه بزعم خود چیزی میگوید. تاکنون نحوه "به قتل رسیدن" و انگیزه قتل این جنگسالار را مختلف و حتی متضاد و متناقض گفته اند. در هر صورت، دو ورشن عام وجود دارد، که یکی ورشن طرفداران وی است و دیگر ورشن کسانیت، که با چشم باز و وجدان پیراسته و شفاف، بدون مجامله با موضوع برخورد میکنند. ما را با ورشن مُنادیان "مسعود" کاری نیست، که سراسر دروغ است و جعل است و تقلب است و خاک زدن در چشم خلق الله است!!!

ورشنی که متقن به نظر میرسد، آنست که آن باصطلاح "دو ژورنالست عربی" در قتل مسعود هیچ دست نداشتند. صرف نظر از دیگر مدارک، کیف و کان انفجار ضمن ویدیویی آشکاره گردید، که "منبع انفجار" را در خارج اتاق کار مسعود – یعنی جایی که مسعود با آن دو نفر عرب مصروف مصاحبه بود – نشان میدهد. و این کاری نیست که بدون دست داشتن نزدیکترین یاران و نگهبانان وی امکان پذیر بوده میتوانست. انگیزه و نحوه

قتل هر چه باشد، بر نتیجه مگر اثری ندارد و مهم برای ما خود نتیجه است. چون در نتیجه این عمل، حیات آن "جنایتکارِ اعظم" خاتمه یافته و طومار حیات ننگینش پیچیده میشود!!!

یک سؤال کلان مگر قد بر می افرازد و آن اینست که آیا قتل مسعود با حادثه یازدهم سپتمبر ارتباطی دارد و یا اینکه این دو روزی که، یک در میان، پشت سر هم به صحنه می آیند، مستقل از هم بوده است؟؟؟ تنها قضاوت‌های عاجل و میتواند این دو روز را "غیر مستقل از هم" و "بدون ارتباط بهم" ارزیابی نماید. اگر اجازه داشته باشم، سؤالی را در زمینه طرح می کنم. سؤال اینست، که اگر مسعود زنده می بود، آیا واقعه یازدهم سپتمبر به وقوع می پیوست؟ آیا واقعه ای که بهانه تهاجم اتازونی بر افغانستان گردید، در صورت "زنده بودن" مسعود، چنین سست و ارزان جامه عمل می پوشید؟؟؟ با شناختی که از مسعود و کارروائی هایش داریم، گمان نکنم که چنین میشد و اگر چنین هم میشد، عکس العمل رقیبان جهانی اتازونی این طور سست و بیحال نمی بود. مسعود به حیث حامی منافع دولت خبیث روسیه و حمایتگر منافع ایادی و مدافعان منطقوی روسیه از قبیل ایران و ممالک آسیای مرکزی، احتمالاً منفذ و معبری میبود برای مخالفان جهانی اتازونی، تا عملیات سیاسی - نظامی آن را به اصطکاک مواجه سازند.

یک سؤال دیگر نیز لاجواب میماند و آن اینکه: اگر ایادی و دوستان نزدیک مسعود در قتل او دست داشتند، چرا بعد از هلاک وی همه و عللاً برپا کردند، از وی معبود ساختند، لقب "قهرمانی ملی افغانستان" را برایش تسجیل کردند و ازین قبیل کارهای "ظاهر فریب"؟؟؟ جواب میتواند مفصل باشد و یا اینکه مختصر و مجمل. جواب موجز و مجمل این تواند بود، که یاران "جاناجانی" و باصطلاح ایرانیان "جانجانی" مسعود کوشیدند، تا از طریق مغشوش ساختن و پلپوت کردن موضوع، هرگونه سوء ظن را از خود بزدایند و سر تاس خود را از پاکی خلاص کنند!!! کتاب هائی که غربیان درین زمینه و زمینه های مرتبط با آن نگاشته اند، میرساند که یاران همکاسه و همطبق مسعود، در بدل پولهای گراف دالری، زمینه امحای وی را مساعد ساختند. والسلام